

I'm going. من که دارم میرم.

Wet blanket! ضدِ حال

A two-piece ring gets her attention. یک انگشتر دو تکه توجهش رو جلب میکنه.

The ring's green gem sparkles. نگین سبز انگشتر برق میزنه.

She opens the ring's box. او در جعبه انگشتر رو باز میکنه.

Bea takes one of the pieces. بی یکی از قطعه ها رو برمیداره.

Hey you there. اهای تویی که اونجایی!

What are you doing in here? تو اینجا چیکار میکنی؟

A guard shows up with a flashlight. نگهبان با چراغ قوه از راه میرسه.